

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی



تاثیر آموزش مهارت‌های بحث و مذاکره با رویکرد اسلامی بر پرخاشگری کلامی دانش

آموزان دختر پایه ششم ناحیه ۲ شهرستان یزد

نام نویسنده:

فهیمة قانع عزآبادی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی «تاثیر آموزش مهارت‌های بحث و مذاکره با رویکرد اسلامی بر پرخاشگری کلامی دانش - آموزان دختر پایه ششم ناحیه ۲ شهر یزد» پرداخته است. طرح تحقیق به صورت روش نیمه تجربی پیش‌آزمون و پس - آزمون با گروه کنترل می‌باشد. نمونه‌گیری از روش در دسترس یا هدفمند، صورت گرفت. بدین صورت که پرسشنامه بر روی ۱۲۰ نفر که مایل به شرکت در طرح بودند، اجرا شد. ۳۰ نفر که دارای بیشترین نمره در مقیاس تعارض والد-فرزندی بودند، انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری کنترل و آزمایش قرار داده شدند. به گروه آزمایش در طی ۱۰ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای، آموزش مهارت‌های بحث و مذاکره با رویکرد اسلامی داده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه مقیاس تاکتیک‌های تعارض والد-فرزندی موری اشتراوس (CT) بود که دارای سه خرده مقیاس پرخاشگری کلامی و فیزیکی و استدلال است و خرده مقیاس پرخاشگری کلامی در این پرسشنامه مد نظر محقق بود. تحلیل و مقایسه اطلاعات به دست آمده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه نشان داد که برنامه آموزش توانسته است پرخاشگری کلامی دانش‌آموزان دختر پایه ششم را با والدشان کاهش دهد.

واژه های کلیدی: مهارت‌های بحث و گفتگو، رویکرد اسلامی، پرخاشگری کلامی، نوجوانان دختر پایه

ششم.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که اساس حیات اجتماعی بشر را تشکیل می‌دهد و از مهم ترین وظایف آن فرزندآوری و پرورش فرزندان است. یکی از مشکلاتی که گاهی اوقات خانواده‌ها در هنگام پرورش فرزندان با آن مواجه

^۱ آموزگار پایه سوم ابتدایی دبستان دخترانه مارکار ناحیه ۲ یزد، fahimahghane۸۲۵@gmail.com



می‌شوند، نافرمانی و مخالفت فرزندان با خواسته‌های والدینشان می‌باشد که معمولاً در سنین بلوغ و نوجوانی رخ می‌دهد. (سموعی، ۱۳۸۲). اعضای خانواده، چون با هم تعاملات زیادی دارند، ممکن است در بین آنها تعارض ایجاد شود. تعارض به وجود آمده بین اعضای خانواده به وحدت و یگانگی آن لطمه می‌زند. شدت تعارض موجب بروز نفاق، پرخاشگری، ستیزه جویی و سرانجام اضمحلال و زوال خانواده می‌گردد (دهقان، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد انسان‌ها برای مقابله‌ی سازگارانه با استرس‌ها، موقعیت‌های مختلف و کشمکش‌های زندگی، علاوه بر سلامت عمومی به کارکردهایی نیاز دارند که آن‌ها را در کسب این توانایی‌ها تجهیز نمایند. این کارکردها بسیار زیربنایی هستند و در فرآیند تحول شکل می‌گیرند. کارکردهایی نظیر مهارت‌های اجتماعی یا بین فردی که شامل ارتباط‌ها و مهارت‌های بحث و مذاکره می‌باشد (منگرولکار و همکاران، ۲۰۰۱). مباحث مطرح شده بر همه‌ی جمعیت‌ها صرف نظر از سن، جنس و حرفه تأکید دارند. در جمعیت‌های ویژه وجود عوامل اختصاصی استرس‌زا، اهمیت این پدیده را چندین برابر می‌کند. در جمعیت دانش‌آموزی که بخش بسیار مهمی از جمعیت فعال کشورها، به ویژه کشور اسلامی ما را تشکیل می‌دهند، لازم است دانش‌آموزان مهارت‌ها و منابعی را منطبق بر الگوی دینی و فرهنگی جامعه بشناسند که در موقعیت‌های دشوار، حمایت‌کننده باشد (روشن و شعیری، ۱۳۸۳).

هدف پژوهشی که مقاله‌ی حاضر بر مبنای آن تهیه شده تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های بحث و مذاکره با رویکرد اسلامی بر پرخاشگری کلامی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ناحیه ۲ شهرستان یزد بوده است که بر این اساس فرضیه پژوهش بدین صورت شکل گرفت که: آموزش مهارت‌های بحث و مذاکره با رویکرد اسلامی، پرخاشگری کلامی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ناحیه ۲ شهرستان یزد را کاهش می‌دهد.

تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است از جمله احمدی زاده (۱۳۷۴)، در تحقیق خود با بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر برخی از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه‌روزی بهزیستی به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه‌روزی بهزیستی باعث کاهش پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی در آن‌ها می‌شود.

تحقیق شریفی (۱۳۸۲)، با عنوان بررسی اثربخشی روش آموزش مهارت‌های زندگی در درمان علائم افسردگی نوجوانان شاهد چنین نتیجه داد که آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش پرخاشگری بین افراد خانواده و نیز افزایش خودکارآمدی در روابط بین افراد خانواده و همچنین کاهش افسردگی تأثیر دارد.

جمشیدی (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به نارسایی‌های ویژه یادگیری و دانش‌آموزان عادی» ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر با اختلالات یادگیری و ۳۰ دانش‌آموز عادی را با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب و به مقایسه مهارت‌های آن‌ها پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که بین دو گروه از لحاظ الگوهای حل مسئله اجتماعی (پرخاشگری، کناره‌گیری و مسئله‌گشایی) و رفتار اجتماعی تفاوت‌های معناداری وجود دارد. در زمینه بررسی علل تعارض‌های موجود بین دو نسل نوجوان و والدینشان و جود پرخاشگری از



ناحیه فرزندان نسبت به والدین از دیدگاه بافت فرهنگی- اجتماعی حاکم بر جامعه و ارائه راهکار برای کاهش آن‌ها پژوهش‌های انجام شده در زمینه روانشناختی بسیار کم‌رنگ و غیر قابل توجه بود، اما محدود پژوهش‌هایی در زمینه جامعه‌شناسی در ایران صورت گرفته از جمله معیدفر (۱۳۸۳)، از داده‌های دو طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و سال ۱۳۸۲ که در ۲۸ استان کشور انجام شده، استفاده کرده یافته‌های او در زمینه تعارض یا شکاف نسلی در حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در مقاله‌ای تحت عنوان «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی» به چاپ رسیده که نتایج آن بیان‌گر این است که کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان، مربوط به جنبه‌های اعتقادی و باورهای دینی آن‌ها می‌باشد.

پژوهش‌های مختلفی در زمینه تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مسائل خانواده و همچنین تأثیر این مهارت‌ها بر رفع بعضی اختلالات رفتاری در فرزندان، انجام شده است که در همه‌ی این تحقیقات بر اثربخشی این مهارت‌ها تأکید شده است. ولی در زمینه آموزش این مهارت‌ها همراه با رویکردی اسلامی و اثربخش بودن آن تحقیقات کم‌رنگی وجود داشت، لذا پژوهشگر در صدد برآمد تا به این مسئله بپردازد.

روش

این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی است. طرح تحقیق حاضر از نوع پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این طرح آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب و در گروه‌های مختلف جایگزین می‌شوند. جامعه آماری این پژوهش، تمام دانش‌آموزان دختر پایه ششم شهر یزد در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ هستند که سن آن‌ها بین ۱۱ تا ۱۳ سال بود. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس یا هدفمند، استفاده شد. به طوری که پرسشنامه بر روی ۱۲۰ نفر که مایل به شرکت در طرح بودند، اجرا شد. ۳۰ نفر که دارای بیشترین نمره در مقیاس تعارض والد-فرزندی بودند، انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری کنترل و آزمایش قرار داده شدند. پس از مشخص شدن گروه‌های آزمایش و کنترل و اجرای پیش‌آزمون برای دو گروه، برنامه آموزش مهارت‌های بحث و گفتگو با رویکرد اسلامی، در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و به صورت هفتگی بر گروه آزمایش اعمال گردید. در حالی که گروه کنترل در لیست انتظار مانده و به برنامه عادی خود ادامه می‌دهند.

یافته‌ها



نمرات پرخاشگری کلامی در دو گروه آزمایش و کنترل در جدول شماره ۱ آمده است:

(جدول شماره ۱) نمرات پرخاشگری کلامی دو گروه کنترل و آزمایش

وضعیت		شاخص آماری	گروه‌ها
پس آزمون	پیش آزمون		
۱۵/۶	۱۶/۵۳	میانگین	کنترل
۴/۵۱	۳/۵۸۳	انحراف معیار	
۲۰/۴	۱۲/۸۳۸	واریانس	
۱۳/۷۳	۱۷/۱۳	میانگین	آزمایش
۳/۲۸	۳/۲۹۲	انحراف معیار	
۱۰/۷۸	۱۰/۸۳۸	واریانس	

براساس نتایج جدول شماره ۱ میانگین پرخاشگری کلامی در دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون نسبت به پیش آزمون کاهش یافته است. ولی این کاهش در گروه آزمایش که تحت آموزش بوده اند کاهش محسوستری داشته است. آنالیز کوواریانس جهت مقایسه میانگین‌های پس آزمون پرخاشگری کلامی بین دو گروه کنترل و آزمایش در جدول ۲ آمده است.

(جدول شماره ۲) آنالیز کوواریانس جهت مقایسه میانگین‌های پس آزمون پرخاشگری کلامی بین دو گروه کنترل و آزمایش

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F آماره	معناداری آزمون
پیش آزمون	۲۰۶/۶۷۰	۱	۲۰۶/۶۷۰	۲۴/۲۷۶	۰/۰۰۰۱
بین گروهی	۴۰/۷۵۱	۱	۴۰/۷۵۱	۴/۷۸۷	۰/۰۳۸
خطا	۲۲۹/۸۶۳	۲۷	۸/۵۱۳	—	—
کل	۴۶۲/۶۶۷	۲۹	—	—	—

باتوجه به جدول بالا معناداری آزمون برای پیش‌آزمون پرخاشگری کلامی برابر $0/0001$ (کمتر از $0/01$) و تغییرات بین گروهی برابر $0/038$ (کمتر از $0/05$) شده است؛ بنابراین اثر پیش‌آزمون در سطح یک درصد و تغییرات بین دو گروه کنترل و آزمایش در سطح پنج درصد معنی‌دار شده است و فرضیه اول تأیید می‌شود. که این نتایج حاکی از این است که: آموزش مهارت‌های بحث و گفتگو با رویکرد اسلامی پرخاشگری کلامی نوجوانان دختر پایه ششم ناحیه ۲ شهرستان یزد را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری



در توضیح نتایج این فرضیه می توان گفت مفاهیم ارائه شده در بسته آموزشی آموزش مهارت‌های بحث و گفتگو با رویکرد اسلامی در راستای تسهیل ایجاد روابط بین فردی مؤثر، همدلی، بحث و مذاکره بین اعضای خانواده و به تبع آن کاهش هیجانات منفی ناشی از عدم توانایی استفاده از راهبردهای استدلالی از جمله پرخاشگری کلامی در راستای مباحث و توصیه‌های موجود در متون دینی-اسلامی و سفارشات ائمه اطهار در مورد چگونگی آداب معاشرت و نحوه برخورد فرزندان با والدین و نیز نظریه‌های موجود در روانشناسی می باشد که این آموزش با توجه به اشتیاق نوجوانان به مباحث دینی و نیز با لحاظ بافت مذهبی جامعه‌ی آماری اثربخش بوده و باعث افزایش مهارت بحث و مذاکره، همچنین افزایش حس همدلی نسبت به طرف مقابل و در نتیجه ایجاد رابطه‌ی بین فردی مؤثر و همچنین ایجاد جرأت‌مندی برای بحث و مذاکره در خانواده و بین دوستان و همسالان و به تبع آن باعث کاهش پرخاشگری کلامی شده است. از طرفی تأملات و تسهیل‌گری‌های رخ داده در گروه از قبیل تجربیات عینی و مشترک اعضای گروه باعث ایجاد حسی مشترک شده که خود باعث استفاده بهتر اعضا از تجربیات گروه در مواقع بروز تعارض و پرخاشگری گشته که خود باعث کاهش پرخاشگری شده است.

همچنین مفاهیم طرح شده در جلسات گروه در راستای تقویت بعد رفتاری روابط اجتماعی از قبیل ارتباط مؤثر بین فردی، همدلی و بحث و مذاکره بود که با توجه فرامین دین مقدس اسلام ارائه شد که با لحاظ کردن دوره‌ی نوجوانی و گرایش به مذهب نوجوانان در این سن و نیز با توجه به بافت سنتی-مذهبی شهرستان یزد و نیز با توجه به جدید بودن آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده تلفیقی از دین و روانشناسی و جذابیت این روش برای آزمودنی‌ها این آموزش‌ها اثربخش بوده است. یافته‌های مربوط به این پژوهش با نتایج یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های ظهراپی اصل (۱۳۸۵)، احمدی‌زاده (۱۳۷۴)، مرادی (۱۳۸۴)، مکوندی (۱۳۸۶) و بالگور (۱۹۹۴)، که نشان می‌دهند آموزش مهارت‌های اجتماعی از جمله مهارت‌های بحث و گفتگو بر کاهش پرخاشگری کلامی نوجوانان اثر دارد، همخوانی دارد. نکته‌ای که باید در آخر افزود این است که آموزش ابزاری است که بر ابعاد مختلف زندگی بشر اثرگذار است و نتایج حاصل از فرضیه این پژوهش این نکته تأیید می‌کند.

این پژوهش میتواند کاربردهای زیادی از لحاظ نظری و عملی داشته باشد از جمله:

این پژوهش بر آموزش با رویکرد اسلامی تأکید دارد، بنابراین توصیه می‌شود خانواده‌ها، آموزش و پرورش، مدارس، بهزیستی و... از پتانسیل مسلمان بودن و دینداری دانش‌آموزان بهره ببرند و در قالب آموزه‌های دینی، مهارت‌های اجتماعی را به دانش‌آموزان آموزش دهند تا بتوان به‌عنوان راهکاری برای کاهش پرخاشگری کلامی از آن استفاده نمود و بالطبع افرادی سالم و جامعه‌ای سالم تر و عاری از مشکلات روحی و روانی و بزهکاری را داشته باشیم همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های این چنینی بر روی پسران و همچنین در مقطع مختلف تحصیلی نیز انجام گیرد. به علاوه اکثر پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی نسبت به بعد اسلامی موضوع، کم‌لطف هستند به محققین علاقمند در چنین حوزه‌هایی به خصوص موضوع پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های خود با توجه به این‌که ما در جامعه‌ای



اسلامی زندگی می‌کنیم آیتم اسلام و اسلامی بودن را در نظر بگیرند. همچنین با توجه به امکانات زمانی و مالی که محقق در اختیار داشته این پژوهش درصدد تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های بحث و گفتگو با رویکرد اسلامی بر پرخاشگری کلامی بوده است به محقق دیگر پیشنهاد می‌شود، به بررسی متغیرهای دیگر که از آموزش مهارت‌های اجتماعی اثر می‌پذیرند مانند مسأله‌گشایی، کاهش افسردگی، رشد فردی و هویتی، دوستیابی، ابراز وجود و ارتباط مؤثر، توانایی رویارویی با استرس و موقعیت‌های خشم و ... نیز همت بگمارند همچنین پیشنهاد می‌شود محققین به پژوهش‌هایی در همین زمینه با دوره‌های آموزشی طولانی‌تری همت بگذارند تا چگونگی تأثیرگذاری آن بهتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار بگیرد.

یکی از یافته‌های این پژوهش این بود که آموزش مهارت‌های بحث و گفتگو با رویکرد اسلامی پرخاشگری دختران را کاهش می‌دهد. بر این اساس توصیه می‌شود؛ آموزش و پرورش در کتب درسی خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آموزش در حوزه مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان بدهد.

همچنین نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند مورد استفاده عملی محققان و متخصصان قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای اثرگذار بر فرزندان به‌طور مستمر و آرام مهارت‌های اجتماعی را به فرزندانشان آموزش دهند همچنین بر این اساس پیشنهاد می‌شود سازمان‌های ذی‌ربط مانند مدارس، بهزیستی و ... دوره‌های آموزشی مهارت اجتماعی برای نوجوانان برگزار کنند تا پرخاشگری کلامی نوجوانان خاصه در مدرسه کاهش یابد.

محدودیت‌های بسیاری در این پژوهش وجود داشت از جمله:

وجود محدودیت‌ها و مشکلات موجود بر سر راه هر پژوهشی امری اجتناب‌ناپذیر است. در این تحقیق نیز پژوهشگر با محدودیت‌هایی روبرو بود که دستیابی به اهداف تحقیق را دچار کندی کرد. در زیر به چند مورد از این محدودیت‌ها اشاره می‌کنیم:

(۱) در این پژوهش پرخاشگری به‌طور سیستماتیک بر روی آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است از جمله نقش عوامل ژنتیکی؛ اختلال در کارکرد مغز شامل آسیب‌های مربوط به سر، بیماری‌های ویروسی مختلف که بر مغز اثر می‌گذارد، برخی تومورهای مغزی، بعضی از انواع صرعه خصوصاً صرع بخش‌های گیجگاهی و پسیکوموتور، تومورهای بخش گیجگاهی، ضایعات هیپوتالاموس قدامی، ضایعات بخش پیشانی و ضایعات نیمکره غالب؛ همچنین بررسی اختلالات تیروئید و سنجش میزان هورمون تستسترون نیز در این تحقیق مورد توجه واقع نشده همین‌طور نقش عوامل بیولوژیکی شامل هیپوگلیسمی و مواد ویژه دیگری شامل آمفتامین‌ها، بارمیتورات‌ها نظیر الکل و نیز استفاده از مواد مخدر که باعث افزایش رفتارهای تکانه‌ای و پرخاشگرانه می‌شود و نیز سوء تغذیه مربوط به پروتئین و کربوهیدرات‌ها و همچنین غذای خاصی که ممکن است اثرهای مشابهی داشته باشد نیز در پژوهش لحاظ نشده است و این امر امکان بررسی نقش آنها را



در نتایج محدود می‌کند.

۲) این پژوهش در نمونه‌ای محدود در شهرستان یزد انجام شده است که تعمیم‌پذیری آن را با مشکل مواجه می‌کند.
 ۳) تحقیقات مشابه در زمینه اثربخشی مهارت‌های اجتماعی بارویکرد اسلامی به صورت بسیار کم‌رنگی وجود داشت که این امر باعث دشوار شدن تطبیق این پژوهش با پژوهش‌های قبلی می‌شد.

منابع

- سموعی، ر. (۱۳۸۲). بررسی نوع، میزان و علل پدیده گسست ارتباطی بین دانش آموزان دوره راهنمایی و اولیاء آن‌ها در شهر اصفهان. سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- دهقان، ف. (۱۳۸۰). مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی غیر متقاضی طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم
- روشن، ر و شعیری، م. (۱۳۸۳). بررسی سطوح و انواع تنیدگی و راهبرهای مقابله ای در دانشجویان و مقایسه آن‌ها در دانشجویان شاهد و غیر شاهد. دو ماهنامه دانشور، ویژه مقالات روان شناسی، شماره ۲، صفحات ۶۰-۴۹.
- احمدی زاده، م. (۱۳۷۴). بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر برخی از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان تحت پوشش مراکز شبانه روزی بهزیستی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفی، غ. (۱۳۷۲). بررسی اثر بخشی روش آموزش مهارت‌های زندگی در درمان علائم افسردگی نوجوانان شاهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان پزشکی تهران.
- جمشیدی، ع. (۱۳۸۱). مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان مبتلا به نارسایی‌های ویژه یادگیری و دانش آموزان عادی، مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال پنجم، شماره ۱.
- معیدفر، س. (۱۳۸۳). تعارض نسلی یا گسست فرهنگی- بررسی تعارض نسلی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴. صفحات ۵۵-۸۰.
- مکوندی، ف. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری فردی- اجتماعی، پرخاشگری و ابراز وجود دانش آموزان دختر در معرض خطر مقطع متوسطه شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- ظهربابی اصل، م. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان تعارض دانش آموزان پسر با والدینشان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم تحقیقات واحد اهواز.
- مرادی، ا. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعارضات والد- فرزند در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- Balaguer, A. (۱۹۹۴). Conflict management in the family & child adjustment. A Longitudinal perspective. DAI – B. ۵۴/۰۷. University of Denver. Degrec: ph.D.
- Mangrulkar, L., Whitman, C.V. & Posner, M. (۲۰۰۱). Life skills approach to child and



adolescent healthy human development. Washington, DC: Pan American Healthy organization

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه

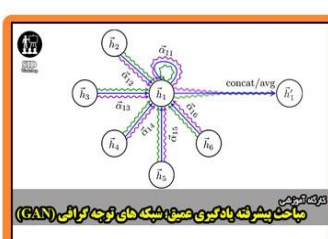


فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی